

چالش‌های برگردان «قد» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و راهکارهای آن

زهرا اسماعیلی*

علی صابری**

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۴

چکیده

از ابزار شناخت علوم قرآنی، برای غیر عرب‌زبانان دانش ترجمه است و از همین رو می‌توان به اهمیت ترجمه و نقش مترجمان در انتقال مفاهیم این کتاب آسمانی پی برد. البته چون برخی مترجمان در برگردان آیات قرآنی به دیگر زبان‌ها گاهی دچار لغزش یا دشواری ترجمه می‌شوند، از این رو در ترجمه‌های قرآن کریم نارسایی‌هایی به چشم می‌خورد که مترجمان فارسی‌زبان قرآن تلاش دارند تا به گونه‌ای ابتکاری این ساختارها را به فارسی برگردانند، که گاهی متن‌های زبان مقصد نه‌تنها بیان‌کننده هدف‌های اصلی قرآن نیست، بلکه از شیوایی زبان فارسی نیز می‌کاهد. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (ترجمه و تفسیرهای فارسی قرآن کریم) و کمک گرفتن از دیدگاه مفسران و نحویان، یکی از موارد چالش برانگیز ترجمه قرآن کریم یعنی ترجمه کلمه «قد» (از ادوات غیرکنایی) را با عنایت به ترجمه‌های خرمشاهی، رازی، فولادوند، قمشه‌ای، مکارم شیرازی بررسی نموده و ضمن بیان ترجمه هر یک از مترجمان فوق‌الذکر و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های ترجمه‌های ایشان، در پایان مشخص می‌نماید، که عدم توجه مترجمان به ادوات تقلیل و تکثیر و چشم‌پوشی از تفاوت میان معنای تقلیل و تحقیق موجب شده است که ترجمه‌های مورد اشاره در برخی آیات از دقت لازم برخوردار نباشند.

کلیدواژگان: ترجمه قرآن، برگردان قد، وجوه قد، ادوات کنایی.

مقدمه

در زبان عربی شیوه‌ها و ساختارهایی برای بیان مفاهیم موجود است که گاهی در زبان فارسی معادل دقیق و یکسانی که در سراسر یک متن بتوان از آن بهره گرفت، وجود ندارد. مترجمان قرآن تلاش دارند تا هر کدام به سلیقه خود این ساختارها را به فارسی برگردانند، که گاهی متن زبان مقصد ظرفیت بیان مفهوم زبان مبدأ را ندارد. با مقایسه ترجمه‌های قرآن و متن اصلی مشاهده می‌شود که گاهی مترجم در برگردان ادوات تقلیل و تکثیر با چالش‌هایی، از قبیل دلالت این واژگان، لفظ مقید جمله، چگونگی انتقال آن به زبان مقصد روبه‌رو است. البته نباید از نظر دور داشت که بخشی از این چالش و ناتوانی مترجمان در انتقال دقیق مفهوم "قد" در جملات مختلف، از عدم توجه به سیاق کلام و ارتباط دورن ساختاری بین کل متن و تفکیک جمله به مثابه ساختار تک ساحتی ناشی می‌گردد (ستوده و...، ۱۳۹۲: ۶۸ و ۷۵-۷۶).

ادوات تقلیل و تکثیر را به طور کلی می‌توان به دو دسته «ادوات کنایی عددی» و «ادوات غیر کنایی غیر عددی» تقسیم کرد. ادوات کنایی عددی عبارت‌اند از «کم» و «کأین» و ادوات غیر کنایی غیر عددی شامل «قد» و «رب» می‌شوند. برای توضیح بیش‌تر باید گفت: «ادوات» جمع «اداة» است، و ادوات قرآن یعنی حروف و هر چیزی که به حروف شباهت دارد؛ هر چند اسم یا فعل باشد. ادوات قرآن به دلیل اینکه می‌توانند معانی متفاوتی داشته باشند، در فهم قرآن از اهمیتی بسیار برخوردار هستند، و در قرآن فراوانند؛ مانند: ادوات نهی، نفی، استفهام، عطف، تأکید، استثنا، دعا، ندا، تعلیل، الصاق، اباحه، ابتدای غایت، اختصاص، تقلیل، تکثیر، تمنی، تنبیه، تنويع، تنزیه، زائد، شرط، موصول، امر، شک، عرض، غایت، قرب، جمع، تعریف (سیوطی، ۱۴۳۲ق: ۴ / ۱۷۵).

پیشینه پژوهش

در زمینه نقد ترجمه‌های قرآن کریم پژوهش‌های فراوانی شده و کتاب‌ها و مقالات زیادی به رشته تحریر در آمده است، اما بر اساس تحقیق مؤلفان تا کنون کاری مستقلی در زمینه نقد ترجمه "قد" در قرآن کریم انجام نشده است، جز مقاله‌ای با عنوان «چالش مترجمان قرآن در برگردان ادوات تقلیل و تکثیر به زبان فارسی» در مجله پژوهش‌های

ترجمه در زبان ادبیات عربی، سال ۵ شماره ۱۳، ۱۳۹۴ توسط علی صابری نگاشته شده است، که در آن تنها به صورت گزینشی به بررسی نمونه‌هایی از این ادوات، پرداخته شد.

روش پژوهش

در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با کمک گرفتن از دیدگاه مفسران و نحویان، به نقد و بررسی برگردان "قد" در چند ترجمه منتخب قرآن کریم می‌پردازیم. لذا ضمن تبیین وجوه و معانی "قد"، به بررسی چالش‌های ترجمه این کلمه پرداخته و اختلاف مترجمان در برگردان این کلمه را مورد بحث قرار می‌دهیم.

پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین چالش مترجمان در برگردان "قد" در قرآن کریم کدام است؟
۲. روش مترجمان در برگردان "قد" چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. مترجمان قرآن در برگردان "قد" از شیوه‌ای یکسان پیروی نکردند و به همین دلیل روالی منظم و روشی هماهنگ در ترجمه «قد» مشاهده نمی‌شود.
۲. مهم‌ترین چالشی که مترجمان در ترجمه «قد» با آن مواجه هستند دشواری درک میان معنای تقلیل و معنای تحقیق آن است.

وجوه کلمه قد

- «قد» دارای دو وجه است: *پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۱. حرف
- «قد»، گاهی کاربرد حرفی دارد که بر سر فعل می‌آید و بر مفاهیم گوناگونی دلالت می‌کند (زجاجی، ۱۹۸۶: ۱۳؛ مرادی، ۱۹۹۲: ۲۵۶؛ ابن هشام، ۱۹۷۹: ۲۲۷/۱).

۲. اسم

«قد»، که در قالب اسم می‌آید که دارای دو حالت کلی است:

- الف. اسم فعل که به معنای کفی می‌باشد مانند «قد زیداً درهمان» (ابن هشام، ۱۹۷۹: ۲۲۶/۱) یعنی دو درهم برای زید کافی بود.
- ب. به معنای حَسَبُ است (فراهیدی، ۲۰۰۳: ۳/ مادة «ق. د. د.»؛ مرادی، ۱۹۹۲: ۲۵۵؛ ابن مالک، ۱۹۷۹: ۲۴۲ و ابن هشام، ۱۹۷۹: ۲۲۶/۱) که مبتدا واقع می‌شود. مانند: قدی که به معنای حسبی می‌باشد.

معانی حرف قد

اما «قد» که از نظر صرفی حرف است و موضوع بحث ما در این پژوهش است، مختص فعل متصرف خبری مثبت، خالی از ادوات جازمه و ناصبه و حروف مستقبل می‌باشد و متصل به فعل می‌آید (ناظر الجیش، ۲۰۰۷: ۴۲۱). این نوع «قد» بر معانی گوناگونی دلالت می‌کند که در اینجا ضرورت دارد این معانی را مورد بررسی قرار دهیم:

۱. توقع و انتظار وقوع فعل: یعنی انتظار وقوع فعل در مخاطب (ابن هشام، ۱۹۷۹م: ۱/ ۲۲۸؛ رضی، ۱۹۹۳: ۶/ ۱۳۸۹ و سیوطی، ۱۹۹۲م: ۴/ ۳۷۷).

توقع و انتظار وقوع فعلی که بعد از «قد» قرار دارد و متکلم یا مخاطب در انتظار تحقق آن است و چون انتظار داشتن در مورد امور و افعالی است که تحقق آن در زمان حال و یا آینده، صورت می‌گیرد، بنابراین چنین معنایی برای «قد» بیش‌تر زمانی تحقق می‌یابد که بعد از آن فعل مضارع باشد (ابن هشام، ۱۹۷۹: ۱/ ۲۲۸). مانند «قَدَّ يَقْدَمُ الغائبُ اليوم» اما اگر بعد از «قد» فعل ماضی باشد، دانشمندان نحو در مورد معنای انتظار در فعل ماضی پس از «قد» اختلاف نظر دارند؛ بیش‌تر نحوی‌ها، از جمله خلیل بن احمد امام نحو بصره و سیبویه، قائل به وجود این معنا می‌باشند. سیبویه در این باره می‌گوید: «قَدَّ فَعَلَ» برای مخاطبی به کار می‌رود که در انتظار وقوع فعل بعد از «قد» است (سیبویه، ۱۴۰۸: ۱/ ۹۸؛ ۳/ ۱۱۴-۱۱۵) و از همین قسم است قول مؤذن که می‌گوید: «قَدَّ قَامَتِ الصَّلَاةُ»: «نمازی که شما در انتظار آن بودید بر پا شد» (زمخشری، ۲۰۰۱: ۴۳۳). آن دسته از نحویان که این معنا را برای «قد» قبل از فعل ماضی انکار کرده‌اند معتقدند توقع به معنای انتظار وقوع چیزی است، و ماضی محققاً واقع شده و چیزی که واقع شده است انتظار وقوع آن ممکن نیست (ابن هشام، ۲۰۰۹: ۱/ ۲۴۶). اما استدلال آن دسته از علمای نحو که معتقدند «قد» قبل از فعل ماضی معنای توقع و

انتظار وقوع فعل را می‌رساند این است که انتظار تحقق فعل برای مخاطبان، قبل از خبر دادن این کلام بوده است نه الان. بنابراین نسبت به آن زمان، آینده است و نسبت به زمان تکلم متکلم، ماضی می‌باشد(همان).

در این میان، ابن مالک معتقد است که «قد» خود افاده معنای توقع ندارد بلکه آن فعل ماضی پس از «قد» است که معنای توقع و انتظار را می‌رساند، البته ابن مالک در مورد وقوع «قد» پس از فعل مضارع سکوت کرده است(همان).

ابن هشام/انصاری نیز می‌گوید: «قد» اصلاً دارای معنای توقع نیست چه بعد از آن فعل مضارع و چه فعل ماضی قرار داشته باشد، زیرا وقتی که بعد از آن فعل مضارع باشد، خود فعل مضارع بدون در نظر گرفتن «قد» دارای معنای توقع و انتظار متکلم و یا مخاطب برای تحقق آن است، به عنوان مثال زمانی که متکلم می‌گوید: «يَقْدُمُ الْغَائِبُ» این کلام بدون «قد» دارای معنای توقع و منتظر بودن متکلم برای تحقق آمدن غائب است، زیرا چیزی که در این موارد از حال شخص خبردهنده، ظاهر و آشکار می‌باشد، این است که او منتظر وقوع این آمدن بوده است و اگر نه این کلام را اصلاً بیان نمی‌کرد و اگر بعد از آن فعل ماضی بیاید آن فعل متوقع و منتظر الحصول بوده نه اینکه خود «قد» مفید معنای این توقع است بلکه معنای انتظار وقوع آن فعل، از طریق قرینه‌های کلام فهمیده می‌شود(همان: ۲۵۰).

۲. تقریب و نزدیک بودن وقوع و تحقق فعل ماضی: بدین معنا که «قد» معنای فعل ماضی را به زمان حال نزدیک می‌کند(مرادی، ۱۹۹۲: ۲۵۶؛ ابن مالک، ۱۹۷۹: ۲۴۲؛ ابن هشام: ۱/ ۲۲۸؛ سیوطی، ۱۹۹۲: ۳۷۸/۴). به عنوان مثال اگر شما بگوئید: قام زید، دو احتمال دارد:

الف. ماضی بعید: یعنی خیلی قبل از گفتن این جمله، فعل برخاستن صورت گرفته: زید ایستاده بود.

ب. ماضی قریب: یعنی به فاصله کمی قبل از زمان گفتن جمله، آن فعل صورت گرفته است: زید مدتی است که ایستاده.

ولی اگر بگوئید: قَدْ قامَ زیدٌ، تنها یک احتمال دارد و آن ماضی قریب است، یعنی: زید مدتی است که ایستاده است(ابن هشام، ۲۰۰۹: ۱/ ۲۴۶).

احکام این نوع «قد» عبارت‌اند از:

الف) «قد» به این معنا، بر سر افعالی مانند «لیس، عسی، نعم و بئس» نمی‌آید زیرا این افعال اساساً دارای زمان نمی‌باشند که «قد» زمان آن‌ها را به زمان حال نزدیک کند، بلکه تنها بعضی از این افعال از نظر ظاهری ماضی هستند، و چون این افعال متصرف نیستند شبه اسم می‌باشند، و تصرف اسم نیز مانند تصرف فعل نیست، و چون «قد» بر سر اسم نمی‌آید، پس بر سر این افعال نیز داخل نمی‌شود (رضی، ۱۹۹۳، ج ۲: ۳۳۸).

ب) دومین حکمی که بر این معنای «قد» مترتب می‌شود این است که بصری‌ها به جز *خفش* معتقدند هرگاه فعل ماضی مثبت بخواهد حال واقع شود باید «قد» تقریبی بر آن داخل شود تا زمان آن را نزدیک به زمان حال کند، البته منظور بصری‌ها از حال، زمان حال تحقق عامل ذو الحال است نه زمان حال تکلم. زیرا اصل در حال، هم‌خوانی زمان وقوع عامل ذو الحال با زمان تحقق حال است؛ بنابراین بصری‌ها می‌گویند باید بر سر فعل ماضی «قد» آورده شود تا زمان ماضی را، به زمان تحقق عامل ذو الحال نزدیک کند و فرقی نمی‌کند که «قد» ظاهر و مذکور و یا مقدر باشد (زرکشی، ۱۹۹۰، ج ۴: ۳۰۵). مانند:

﴿وَمَالِنَا إِلَّا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا﴾ (بقره/۲۲۶)

که شاهد آن دخول «قد» بر فعل ماضی در جمله حالیه است.

۳. سومین حکم «قد» در اینجا، دخول لام ابتدا بر سر آن است. مانند «إِنَّ زَيْدًا لَقَدْ قَامَ» که البته اصل این است که «لام» بر سر اسم بیاید: *إِنَّ زَيْدًا لِقَائِمٍ*. اما علت آمدن آن بر سر فعل ماضی مقرون به «قد» این است که فعل ماضی همراه «قد» معنای قریب و شبیه به زمان مضارع می‌گیرد و چون این «لام» بر سر فعل مضارع به جهت شباهت عروضی آن به اسم، می‌تواند داخل شود، بنابراین بر فعل ماضی مقرون به «قد» نیز می‌تواند لام ابتدا داخل شود (ابن هشام، ۲۰۰۰: ۲۴۹).

مانند:

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ﴾ (النحل / ۱۲۴)

۴. چهارمین معنای «قد» کثرت و فراوانی مضمون جمله مابعد است. این معنا را

سیبویه در قول *هذلی* اثبات کرده است:

قَدْ أَتَرَكَ الْقُرْنَ مُصَفَّرًا أُنَامِلُهُ كَأَنَّ أَثْوَابَهُ مَجَّتْ بِفِرْصَادِ

که در اینجا «قد» معنای تکثیر و فراوانی دارد (ابن هشام، ۲۰۰۰: ۲۴۹). در این صورت، «قد» همانند «رَبَّمَا» است (ر.ک: سیبویه، ۱۹۸۸م: ۴/۲۲۴). مانند:

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (الحجر / ۹۷)

«ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه آن‌ها می‌گویند تنگ می‌شود»

نمونه دیگری که «قد» در مفهوم تکثیر به کار رفته است، آیه:

﴿قَدْنَرَى تَقَلَّبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ﴾ (البقرة / ۱۴۴)

«نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی)

می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی،

باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!»

محی الدین درویش هم ضمن تأیید مفهوم کثرت در این آیه، بیان می‌کند که این

کثرت نسبت به پیامبر است؛ زیرا نسبت به خداوند امری ناممکن شمرده می‌شود

(درویش، ۱۹۹۲: ۲۰۶/۱).

۵. پنجمین معنای «قد» تحقیق و حتمیت وقوع فعل ما بعد است که هم بر سر فعل

ماضی می‌آید و هم بر سر فعل مضارع. مانند قول خداوند متعال:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ (شمس / ۹)

﴿قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ﴾ (نور / ۶۴)

برخی «قد» را که در جمله فعلیه‌ای که در جواب قسم واقع می‌شود از لحاظ تأکید،

نظیر «إِنَّ» و «لَا» در جمله اسمیه‌ای می‌دانند که در جواب قسم باشد (ناظر الجیش،

۲۰۰۷: ۴۲۲/۲).

۶. ششمین معنای «قد» نفی است و این معنا را ابن سید از قول عرب حکایت

می‌کند: «قد كنت في خيرٍ فتعرفه» (ابن مالک، ۱۹۷۹: ۳۵/۱) به نصب «تعرف»، و دلیل او

برای معنای نفی، نصب فعل مضارع پس از آن است زیرا فعل مضارع در جواب نفی،

منصوب به «أَنْ» مقدر می‌گردد. بیش‌تر نحویان این معنا را برای «قد» ذکر نکرده‌اند و

می‌توان تمامی مواردی که ادعا شده است «قد» دارای معنای نفی است حمل بر دیگر

معانی آن کرد، در این مثال نیز می‌توان برای نصب فعل مضارع در جواب عبارت قبل، توجیه دیگری فرض کرد که در آن صورت «قَدْ» معنای نفی نخواهد داشت، بدین صورت که این کلام خطاب به شخصی است که اصلاً اهل خیر نبوده و متکلم این کلام را برای استهزاء و تمسخر او می‌گوید. مثلاً هنگامی که شخصی دروغ‌گو باشد برای تمسخر او می‌گویند: هو رجل صادق، بنابراین این کلام دلالت بر نفی دارد و نصب فعل مضارع به جهت همین نفی معنوی، که مقتضای سخن است، می‌باشد نه به خاطر داشتن معنای نفی در «قَدْ» (ابن هشام، ۲۰۰۹: ۱/ ۲۵۱).

۷. هفتمین معنای «قَدْ»، تقلیل مضمون فعل ما بعد است و این معنای تقلیل دو نوع است:

الف) تقلیل مضمون فعل ما بعد، مانند: قد یصدق الکذوب که «قَدْ» دلالت بر کمی و «قلت» فعل «یصدق» می‌کند، یعنی شخص دروغ‌گو گاهی (به ندرت) راست می‌گوید (رضی، ۱۹۹۳: ۲/ ۳۸۸).

ب) تقلیل متعلق و معمول فعل ما بعد در حالی که خود فعل دارای معنای قلت نیست (زرکشی، ۱۹۹۰م: ۴/ ۳۰۵). مانند:

﴿قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ﴾ (نور/ ۶۴)

در اینجا فعل پس از «قَدْ» معنای تقلیل را نمی‌رساند، یعنی منظور این نیست که دانش خداوند اندک است بلکه مراد از تقلیل در اینجا «قلت» دانستن معمول و متعلق فعل است، یعنی خداوند می‌داند دانش شما در مقابل دانش او بسیار اندک است (زرکشی، ۱۹۹۰م: ۴/ ۳۰۵). که ظاهراً گفتار صحیحی به نظر نمی‌رسد، زیرا متعلق فعل در اینجا «ما أنتم علیه» است. بعضی اعتقاد دارند در اینگونه مثال‌ها، «قَدْ» برای تحقیق و حتمیت فعل ما بعد است (سیوطی، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۷۷).

اکنون پس از بیان دلالت‌های گوناگون «قَدْ» به بررسی دلالت اخیر آنکه موضوع بحث ما در قرآن است و شیوه برگردان مترجمان مورد نظر می‌پردازیم.

ترجمه «قَدْ» در آیات قرآن

به نظر می‌رسد «قَدْ» در یک آیه قرآنی جهت معنای تقلیل و در هفت آیه دیگر به معنای تکثیر آمده است که در مثال‌هایی که خواهد آمد این مواضع مشخص می‌گردد. با

وجود اختلاف نظر نحویان و مفسران در معنای «قد» در این آیات، شرح هر یک را از نظر می‌گذرانیم و ترجمه آن را در آیات قرآنی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم:

﴿قَدَنَرَى تَقَلَّبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره / ۱۴۴)

پیامبر خدا از پروردگارش انتظار دارد روی او را به سمت کعبه که قبله جدش /براهیم است بگرداند(الوسی، بی تا، ج ۲: ۸). از آنجا که پیامبر تسلیم فرمان خدا بود، حتی این تقاضا را بر زبان نیاورد، تنها نگاه‌های انتظار آمیزش به آسمان نشان می‌داد که او عشق و شوق شدیدی در دل دارد. ضمناً تعبیر «به آسمان» شاید به خاطر این باشد که «فرشته وحی» از طرف بالا بر او نازل می‌شد و گرنه می‌دانیم نه خداوند مکانی دارد، و نه وحی او محل معینی(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۹۳). با مراجعه به تفاسیر به نظر می‌رسد مفسرانی چون زمخشری قید «کثیراً» را جهت بیان کثرت در فعل «نری» به کار برده‌اند: «کثیراً ما نری تردد وجهک فی السماء»(زمخشری، ۱۹۹۸م: ۱ / ۳۴۲). برخی مفسران نیز معنای «قد» را در این آیه برای تقلیل می‌دانند(الوسی، بی تا: ۸ / ۲)، حال آنکه «تقلَّب» مطاوعه فعل «قلَّب» است و خود بر کثرت دلالت دارد و این معنا بعید به نظر می‌رسد. عده‌ای از مفسران هم معتقدند «قد» برای تحقق وقوع متعلق فعل است؛ بدین معنی که «قد» وقوع فعل «تقلَّب» را تأکید می‌کند و معنای تجدد و استمرار فعل را می‌رساند(ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲ / ۲۷).

با توجه به دلایل ذکرشده می‌توان گفت: وقوع «قد» برای بیان معنای کثرت بهتر از معنای تقلیل و تأکید است. از سویی شرح آیه به صورت «کثیراً ما نری تردد وجهک» به جای «نری کثرة تردد وجهکم» دلالت بر این دارد که مفسران در مورد متعلق «قد» اختلاف نظر دارند. به نظر می‌رسد بهتر است «قد» برای تکثیر در «تقلَّب» باشد نه «رؤیة». زیرا از مدت‌ها قبل پیامبر منتظر تغییر قبله بود و دائماً صورت خود را به امید دریافت امر خداوند در این باره به سوی آسمان می‌گرداند(اندلسی، ۱۹۹۳: ۱ / ۵۹۴).

با توجه به دیدگاه مفسران، می‌توان ترجمه زیر را برای برگردان این آیه پیشنهاد کرد: «می‌بینیم که فراوان به هر سوی در آسمان، روی می‌گردانی».

اکنون بر اساس این الگو به نقد ترجمه‌ها می‌پردازیم:

- آری رویکرد تو را به آسمان می‌بینیم(خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۲۱).

- که ببینیم گردانیدن روی تو را اندر آسمان (طبری، ۱۳۴۰: ۱ / ۹۸).
 - ما (به هر سو) گردانیدنِ رؤیت در آسمان را نیک می‌بینیم (فولادوند، ۱۳۸۸: ۲۱).
 - ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم (الهی قمش‌های، ۱۳۷۸: ۲۲).

- ما می‌بینیم گردانیدن روی تو در آسمان (رازی، ۱۳۷۹: ۲۱).
 - نگاه‌های انتظار‌آمیز تو را به آسمان می‌بینیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۲).
 ظاهراً مترجمان در ترجمه «قد» برای بیان کثرت یا تحقق وقوع فعل به نتیجه یکسانی دست نیافته‌اند.

نقد ترجمه‌ها: خرمشاهی و فولادوند مطابق با نظر ابن‌عاشور «قد» را برای بیان تأکید فعل در نظر گرفته‌اند، یعنی «قد» در ترجمه این دو مترجم معنای کثرت ندارد. با این حال، در ترجمه حتی با در نظر گرفتن معنای تأکید، استمرار و مداومت را انعکاس نداده‌اند، خرمشاهی از لفظ «آری» و فولادوند از لفظ «نیک» برای تأکید فعل «نری» استفاده کرده‌اند، البته مفهوم تأکید در ترجمه خرمشاهی با دقت بیان نشده است زیرا وی کلمه «آری» را در ابتدای جمله آورده است گویا کل جمله مورد تأکید است. بر خلاف فولادوند که قید تأکیدی «نیک» را قبل از فعل آورده است. رازی و طبری هم اصلاً معنای «قد» را در ترجمه انعکاس نداده‌اند. گویا جمله اصلاً بدون «قد» آمده است. با توجه به دیدگاه مفسران و نحویان که در بالا ذکر شده است باید در برگردان آیه قید کثرت را برای متعلق فعل یعنی «رو گرداندن» بیاوریم.

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَدُونَكَ وَلَا يَكِيدُونَكَ وَكَانَ الظَّالِمِينَ بآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ (الأنعام / ۳۳)

مفسران شأن نزول این آیه را برای تسکین قلب پیامبر و تسلی به او در مقابل آزار و اذیت کافران، می‌دانند (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۷ / ۱۹۶). زمخشری معتقد است «قد» برای بیان معنای کثرت در متعلق فعل «علم» یعنی «حزنک» آمده است نه فعل «علم»، زیرا علم خداوند شامل زیادت و قلت نمی‌شود (زمخشری، ۱۹۹۸ م: ۲ / ۱۸). در پاسخ به این نظر زمخشری برخی مفسران مانند الوسی گفته‌اند مراد از کثرت در علم خداوند، استمرار علم او در گذشته، حال و آینده است، یعنی خداوند پیوسته می‌داند (الوسی، بی تا: ۲ / ۸).

و بعضی دیگر معتقدند اگر «قد» متعلق به «علم» باشد برای بیان استمرار وقوع فعل در گذشته، حال و آینده است و حرف توقع و انتظار وقوع فعل است (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۱۹۶/۷ و اندلسی، ۱۹۹۳: ۱۱۵/۴).

بر اساس نظر مفسران، اگر «قد» معنای کثرت در متعلق فعل «تعلم» را برساند می‌توان گفت: می‌دانیم آنچه می‌گویند بسیار تو را اندوهگین می‌کند.

اکنون ترجمه‌ها را از نظر می‌گذرانیم و سپس نقد می‌کنیم:

- به یقین، می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

- نیک می‌دانیم که آنچه ایشان می‌گویند اندوهگین‌ات می‌کند، بدان که ایشان تو را دروغگو نمی‌انگارند بلکه کفرپیشگان آیات الهی را انکار می‌کنند (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۱۳۱).

- ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. دل شاد دار که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

- ما می‌دانیم که اندوهگین می‌کند تو را آنکه ایشان می‌گویند ایشان به دروغ نمی‌دارند تو را و لکن کافران به آیات خدا انکار می‌کنند (رازی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

- ما می‌دانیم گفتار آن‌ها تو را غمگین می‌کند ولی آن‌ها تو را تکذیب نمی‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۲).

ظاهراً نه تنها مفسران در مورد معنای «قد» اختلاف نظر دارند بلکه مترجمان نیز خود به ترجمه واحد و یکسانی نپرداخته‌اند.

فولادوند و خرمشاهی «قد» را به معنای تأکید فعل دانسته‌اند و قید را قبل از فعل آورده‌اند البته هر دو از روند هماهنگی در این‌گونه آیات استفاده نمی‌کنند، مثلاً خرمشاهی در آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (نور/ ۶۳) و آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (احزاب/ ۱۸) قید تأکید را مانند آیه ﴿قَدَنْرَى...﴾ (بقره/ ۱۴۴) در ابتدای جمله آورده است و در ترجمه فولادوند از آیه ۶۳ سوره نور عدم توجه به ادوات تقلیل و تکثیر مشخص است. ترجمه تفسیر رازی نیز معنای قد را انعکاس نداده است و در ترجمه فرقی میان آمدن «قد» و نیامدن آن در

آیه قائل نشده است. یکی دیگر از آیات مورد استشهاد آیه مبارکه ﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (حجر / ۹۷) است. این آیه برای تسلی قلب پیامبر نازل شده است. «قد» همراه با فعل مضارع «نعلم» برای بیان کثرت و استمرار فعل «علم» در مقابل استمرار آزار و اذیت کافران است. خداوند با نزول این آیه و تأکید فعل با حرف «لقد» به دنبال تسکین قلب پیامبر و تسلی اوست (الوسی، بی تا: ۸۷ / ۱۴).

با مراجعه به نظر مفسرانی همچون *ابوحیان اندلسی* و *زمخشری* و *رازی* درباره این آیه می‌بینیم آنان در مورد معنای کثرت در «قد» سکوت کرده‌اند و به طور کلی معنای تأکید و یقین را ذکر کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی این است که اگر «قد» معنای کثرت در متعلق فعل «نعلم» را برساند می‌توان گفت: ما می‌دانیم که از آنچه می‌گویند فراوان (بسیار / بسی) دلتنگ می‌شوی.

و مترجمان آیات را اینگونه ترجمه کرده‌اند:

- و به خوبی می‌دانیم که از آنچه می‌گویند دلتنگ می‌شوی (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۲۶۷).

- و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود (فولادوند، ۱۳۸۸: ۲۶۷).

- و ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

- و ما محققاً می‌دانیم که تو از آنچه امت در طعنه و تکذیب تو می‌گویند سخت

دلتنگ می‌شوی (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

- ما دانیم که تو را تنگ می‌شود دلت به آنچه می‌گویند (رازی، ۱۳۷۹: ۲۶۷).

با بررسی ترجمه خرمشاهی و فولادوند می‌توان دریافت آن‌ها «قد» را به معنای تحقیق و تأکید دانسته‌اند، و معنای کثرت را در ترجمه بیان نکرده‌اند اما در ترجمه *رازی* و *مکارم* اصلاً معنایی برای «قد» در نظر گرفته نشده است، با توجه به اینکه خداوند در این آیه به دنبال تسکین قلب پیامبر است و حرف «قد» همراه با «لام» آمده است ترجمه آیه بدون در نظر گرفتن «قد» صحیح به نظر نمی‌رسد، و باید در ترجمه فرقی میان «نَعْلَمُ أَنْكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ» با جمله «لَقَدْ نَعْلَمُ أَنْكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ» باشد که این تفاوت در ترجمه *رازی* و *مکارم* دیده نمی‌شود.

مثال بعدی که می‌توان به آن اشاره نمود آیه مبارکه:

﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ (النحل/ ۱۰۳)

می‌باشد. این آیه بیان‌گر افتراقی است که مشرکان به رسول خدا زده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۰۰).

از نظر نویسندگان تفسیر «البحر المحيط» «قد» به معنای تحقق وقوع فعل است، یعنی «لقد نعلم» به معنای «قد علم» است (اندلسی، ۱۹۹۳، ج ۵: ۵۱۸).

برخی مفسران می‌گویند: «قد» همراه با «تعلم» که فعل مضارع است معنای استمرار و تجدد را می‌رساند همانگونه که این استمرار در متعلق «نعلم» یعنی «قول» هم وجود دارد.

ترجمه پیشنهادی: اگر «قد» معنای تأکید داشته باشد ترجمه استادان خرمشاهی و فولادوند مناسب است (در ذیل به آن‌ها اشاره گردیده است) و نیز می‌توان این قیود را هم افزود: به نیکی / به یقین / بی شک. اما اگر به معنای استمرار و تجدد باشد می‌توان گفت: ما همواره می‌دانیم.

اما مترجمان اینگونه به ترجمه آیات دست زده‌اند:

- و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند: «جز این نیست که بشری به او می‌آموزد» [نه چنین نیست، زیرا] زبان کس که (این) نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این (قرآن) به زبان عربی روشن است (فولادوند، ۱۳۸۸: ۲۷۹).

- به خوبی می‌دانیم که ایشان می‌گویند همانا بشری او را آموزش می‌دهد (حاشا، چراکه) زبان کسی که اینان کژاندیشانه ادعا می‌کنند، گنگ و بیگانه است و این زبان (زبان قرآن) عربی (شیوا) و روشن است (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۲۷۹).

- ما می‌دانیم که آن‌ها می‌گویند این آیات را انسانی به او تعلیم می‌دهد! در حالی که زبان کسی که این‌ها را به او نسبت می‌دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

- و ما کاملاً آگاه‌ایم که کافران (معاند) می‌گویند: آن کس که مطالب این قرآن را به رسول می‌آموزد بشری است (مقصودشان بلعام ترسا یا عایش یا یعیش یا غلام رومی یا

سلمان فارسی بود) در صورتی که زبان آن کس که این قرآن را به او نسبت می‌دهند اعجمی (غیر فصیح) است، و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

- ما دانیم که ایشان می‌گویند که می‌آموزد او را کسی، زبان آن کس که میل کند به او اعجمی است و این زبانی است عربی روشن (رازی، ۱۳۷۹: ۱۸۸).

بررسی ترجمه خرمشاهی و فولادوند نشان می‌دهد آن‌ها طبق روال گذشته در بقیه آیات، «قد» را به معنای تحقیق و تأکید دانسته‌اند و در ترجمه «قد» به صورت تأکید بسنده کرده‌اند. جالب است بدانیم خرمشاهی هر گاه «قد» با فعل «علم» و مشتقات آن بدون فاعلی که اسم ظاهر باشد به کار رفته است قید تأکیدی را متصل به فعل آورده اما هر گاه فاعل به صورت اسم ظاهر «الله» آمده است قید تأکید را در ابتدای جمله آورده، گویی کل جمله مورد تأکید است، همانگونه که در آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (احزاب / ۱۸) و آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (نور / ۶۳) قابل ملاحظه است.

در ترجمه رازی و مکارم نیز مانند آیه قبل معنای «قد» انعکاس نیافته است، در حالی که جمله دارای تأکید با ادات «لام» است و سخن خالی از تأکید نیست. مثال بعدی برای بیان "قد" در معنای تقلیل و تکثیر آیه مبارکه:

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوْادًا فَيُحَذِّرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور / ۶۳)

می‌باشد. کلمه «تسلل» در آیه مورد بحث به معنای این است که کسی خود را از زیر بار و تکلیفی به طور آرام بیرون بکشد، که دیگران نفهمند، و این کلمه از «سلّ السیف» یعنی بیرون کشیدن شمشیر از غلاف گرفته شده و کلمه «لواذا»، به معنای ملاوذه است، و «ملاوذه» آن است که انسانی به غیر خود پناهنده شده و خود را پشت سر او پنهان کند. طبق برداشت نویسنده «المیزان» معنای آیه این است که «خدای عز و جل از میان شما آن کسانی را که از ما بین مردم با حيله و تزویر خارج می‌شوند، در حالی که به غیر خود پناهنده می‌شوند و به این وسیله خود را پنهان می‌کنند و هیچ اعتنایی به دعوت رسول ندارند، می‌شناسد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۳۱). برخی مفسران «قد» را برای بیان تقلیل در متعلق فعل «علم» دانسته‌اند، یعنی خداوند می‌شناسد کسانی از شماها را

که پنهانی کم خود را بیرون می‌کشند(زمخشری، ۱۹۹۸: ۴/۳۲۸، اندلسی، ۱۹۹۳: ۶/۴۳۶، ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۱۸/۳۱۰، الوسی، بی‌تا: ۱۸/۲۲۶، ۲۰۰۱: ۴/۱۹۸).

شاید بتوان «قد» را به معنای تکثیر «علم» هم دانست، همانگونه که الوسی گفته است: منظور از کثرت در علم خداوند استمرار علم اوست(الوسی، بی‌تا: ۸/۲).

ترجمه پیشنهادی: اگر «قد» معنای تقلیل را در متعلق فعل «یعلم» برساند می‌توان گفت: خداوند می‌شناسد کسانی از شماها را که کم کم و پنهانی خود را بیرون می‌کشند. اما اگر «قد» معنای تکثیر داشته باشد می‌توان این قیود را افزود: خداوند قطعاً خوب/پیوسته می‌شناسد.

اکنون ترجمه‌ها را از نظر می‌گذرانیم:

- خواندن پیامبر را در میان خودتان همانند خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را بشمارید، به راستی که خداوند کسانی را از شما که پنهانی و پناه‌جویانه خود را بیرون می‌کشند می‌شناسد(خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۳۵۹).

- خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی(دیگر) قرار مدهید. خدا می‌داند(چه) کسانی از شما دزدانه(از نزد او) می‌گریزند(فولادوند، ۱۳۸۸: ۳۵۹).

- صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید، خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوید می‌داند(مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۴۵).

- مگردانید خواندن پیغامبر در میان شما چون خواندن بهری شما بهری را، می‌داند خدای آنان را که فرو می‌خیزند از شما از پس یکدیگر، بگو تا حذر کنند آنان که مخالفانند از فرمان او، از آنکه به ایشان رسد فتنه‌ای یا بدیشان رسد عذابی به درد آورنده(رازی، ۱۳۷۹: ۲۴۴).

با نگاهی به ترجمه مترجمان می‌بینیم خرمشاهی «قد» را مانند بقیه آیات مشابه، به معنای تأکید و تحقیق معنای فعل دانسته است و با واژه «به راستی» این معنا را می‌رساند که «قد» برای تحقیق و تأکید مفهوم فعل است که ترجمه او، با تفاسیر مهمی مانند «الکشاف» و «البحر المحیط» و «التحریر والتنویر» مطابقتی ندارد. ظاهراً

خرمشاهی در ترجمه «قد» در تمام آیات فقط به معنای تحقیق و تأکید بسنده کرده است و حتی تفاسیری که «قد» در آن معنای قلت یا کثرت را می‌رساند در ترجمه خرمشاهی تأثیری ندارد. وی در این آیه قید تأکید را در ابتدای جمله آورده است، گویا کل جمله مورد تأکید است نه فقط فعل، حال آنکه اگر مراد تأکید هم باشد تأکید فعل مورد نظر است. البته در برگردان فولادوند و مکارم و رازی هم هیچ معادلی برای «قد» وجود ندارد، گویا این واژه در آیه نیامده است، یعنی اگر جمله بدون «قد» هم می‌آمد همینگونه بود.

از دیگر آیات مورد استشهاد می‌توان به آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَأْتُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (الصف / ۵)

اشاره نمود. این آیه شریفه به طور اشاره می‌فهماند که بنی اسرائیل با لجاجت خود رسول خدا. حضرت موسی را آزار داده بودند، تا جایی خدای تعالی به کیفر این رفتارشان دل‌هایشان را منحرف ساخت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۴۲۲).

از نظر نگارنده «المحرر الوجیز» «قد» به معنای تقلیل است و در توضیح آن می‌گوید معنای تقلیل در این آیه به نهایت مقصود خود رسیده به طوری که خلاف آن و معنای تکثیر برداشت می‌شود. اصل «قد» تقلیل است اما خلاف آن معنای کثرت مورد نظر است: بسیار خوب می‌دانید... از طریق مبالغه در ندانستن، معنای بسیار دانستن برداشت می‌شود (ابن عطیه، ۲۰۰۱ م: ۲ / ۲۳۵).

زمخشری هم معتقد است «قد» برای تأکید فعل دانستن است (زمخشری، ۱۹۹۸: ۳ / ۳۹۶).

در این آیه «واو» حالیه که همراه با «قد» آمده نیز مورد توجه مترجمان قرار گرفته است. بهتر است بدانیم یکی از اغراض «واو» حالیه این است که نشان دهد حال امری آشکار، واضح و غیر قابل انکار است (سامرائی، ۲۰۰۳ م: ۲ / ۲۶۵).

با توجه به نظر مفسران، در اینجا «قد» بهتر است برای تحقق وقوع فعل بیاید یعنی به خوبی / به نیکی / بی‌گمان / بی‌شک می‌دانید. یا برای بیان معنای کثرت یعنی: بسیار نیک می‌دانید.

اما مترجمان آیه را این‌گونه ترجمه کرده‌اند:

- یاد کن هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، چرا آزارم می‌دهید، با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟» پس چون (از حق) برگشتند، خدا دل‌های‌شان را برگردانید، و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند (فولادوند، ۱۳۸۸: ۵۵۱).

- و چنین بود که موسی به قوم‌اش گفت ای قوم من چرا مرا می‌آزارید و حال آنکه می‌دانید که پیامبر خداوند به سوی شما هستم، - پس چون (از حق) برگشتند خدا دل‌های‌شان را برگردانید، و خداوند نافرمانان را هدایت نمی‌کند (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۵۵۱).

- و به یاد آورید هنگامی را که موسی گفت: ای قوم من چرا مرا می‌آزارید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۸۴).

- و چون گفت موسی بنی‌اسرائیل را ای قوم چرا می‌رنجانید مرا و می‌دانید که من پیغمبر خدایم به شما، پس چون گشتند از ایمان گردانید خدای دل‌هاشان و خدای راه ننماید گروه فاسقان را (رازی، ۱۳۷۹: ۳۸۴).

با مراجعه به ترجمه‌ها ملاحظه می‌شود فولادوند، خرمشاهی و مکارم تنها معنای «واو» را که حالیه است در نظر گرفته‌اند، و در ترجمه انعکاس داده‌اند اما برگردانی برای «قد» مشاهده نمی‌شود، خواه «قد» به معنای کثرت باشد خواه به معنای تأکید. رازی نیز «واو» را به صورت عطف ترجمه کرده است که خود نقصی در ترجمه وی به شمار می‌آید. از سویی «قد» نیز اصلاً در ترجمه او معادلی ندارد گویا جمله بدون «قد» آمده است در حالی که میان «لَمْ تُوذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ» و جمله «لَمْ تُوذُونِي وَتَعْلَمُونَ» فرق وجود دارد. اولاً «واو» همانگونه که گذشت حالیه است که بدیهی بودن حال را می‌رساند و «قد» نیز مطابق با نظر مفسرانی مانند ابن عطیه اندلسی یا زمخشری دارای غرض معنایی است.

الهی قمشه‌ای نیز این آیه را بدون قید تأکیدی ترجمه کرده در حالی که آیه بعدی را قید آورده است.

مثال بعدی مورد بحث آیه:

﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ﴾ (احزاب/ ۱۸)

می‌باشد. کلمه «معوِّقین» اسم فاعل از تعویق است که به معنای منصرف کردن و تأخیر انداختن است و معنای آیه این است که خدا می‌شناسد آن کسان از شما را که مردم را از شرکت در جهاد بازمی‌دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۴۳۱). معنای «قد» در این آیه برای بیان کثرت است (درویش، ۲۰۰۳م: ۶ / ۱۵۲) و منظور از کثرت، مبالغه است یعنی دانش خداوند به غایت خود می‌رسد. از نظر برخی مفسران در این آیه مقصود «قد» تحقق وقوع فعل و تأکید آن است (زمخشری، ۱۹۹۸: ۵ / ۵۷، ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲۱ / ۲۹۳).

اکنون که نظر مفسران را درباره آیه مطرح کردیم به نقد و بررسی ترجمه‌ها می‌پردازیم.

- به راستی که خداوند از میان شما، بازدارندگان (کارشکنان) را می‌شناسد (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۴۲۰).

- خداوند کارشکنان (و مانع شوندگان) را (خوب) می‌شناسد (فولادوند، ۱۳۸۸: ۴۲۰).
- خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی‌داشتند به خوبی می‌شناسد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸۸).

محققاً خدا از حال آن مردم (منافق) که مسلمین را از جنگ می‌ترسانند به خوبی آگاه است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۸: ۴۲۰).

خرمشاهی، فولادوند، مکارم و الهی قمشه‌ای مطابق با نظر مفسرانی همچون زمخشری و ابن عاشور معنای تأکیدی «قد» را در ترجمه خود انعکاس داده‌اند:

مکارم شیرازی در ترجمه «قد» شیوه یکسان و هماهنگی ندارد. وی در ترجمه‌های آیات قبلی و مشابه، هیچ گونه قیدی در برابر «قد» نیاورده اما در ترجمه این آیه از قید «به خوبی» استفاده کرده است.

از سویی خرمشاهی در ترجمه «قد» قید تأکیدی را در ابتدای جمله آورده که گویا کل جمله تأکید شده است در حالی که علم خداوند مورد تأکید است. از این رو باید قید تأکیدی قبل از فعل می‌آمد. فولادوند در آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (نور/ ۶۳) و آیه ﴿وَقَدْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف/ ۵) در برابر «قد» قید تأکیدی نیاورده است اما در بقیه آیات «قد» را به

صورت تأکید ترجمه کرده است، البته وی برابرنهاده یکسانی در آیات به کار نبرده است، مثلاً در آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ (احزاب / ۱۸) لفظ «خوب» را و آن هم داخل گروه آورده اما در بقیه آیات از قید تأکیدی «قطعاً» و «به یقین» به طور مستقیم در متن استفاده کرده است.

ترجمه الهی قمشه‌ای از «قد»

الهی قمشه‌ای نیز در ترجمه «قد» به صورت منظم و هماهنگ عمل نکرده است. مثلاً در آیه ۹۷ سوره حجر «وَلَقَدْ نَعْلَمُ» و آیه ۳۳ سوره انعام «قَدْ نَعْلَمُ» از قید تأکیدی «محققاً» و «به تحقیق» استفاده نموده است، و در آیه ۱۰۳ سوره نحل قید «کاملاً» و در آیه ۱۸ سوره احزاب قید «به خوبی» را به کار برده است اما در بقیه آیات هیچ برابرنهادی در مقابل «قد» قرار نداده است.

تعداد فراوانی	ترجمه نکردن قد	عدم تمایز میان معنای تقلیل یا تکثیر و معنای تحقیق	عدم تشخیص درست متعلق قد	عدم انتخاب مکان مناسب ترجمه قد با فعل "علم"	مجموع
خرمشاهی	۸	۱	۳	۱۲	
فولادوند	۳	۸	۱	۱۰	
مکارم	۷	۸	۱	۱۶	
رازی	۸	۸	۱	۱۷	

جدول ۱. مشکلات ترجمه‌های قد در آثار مترجمان

نتیجه بحث

اکنون در پایان بحث نتایج تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: در ترجمه رازی ادات «قد» اصلاً انعکاس نیافته است، خواه معنای «قد» تقلیل یا تکثیر باشد خواه تحقیق. گویا جمله اصلاً بدون «قد» آمده است، که این کاستی بیش‌ترین فراوانی نقص را در ترجمه‌ها دارد.

از جمله نواقص ترجمه‌ها در ادات «قد»، عدم تطابق برگردان‌ها با قواعد نحوی می‌باشد، دانشمندان نحو معتقدند «قد» گاهی برای بیان قلت و کثرت و تأکید فعل می‌آید و گاهی برای متعلق فعل. اما مترجمان همگی «قد» را جهت تأکید فعل در نظر گرفته‌اند و قبل از متعلق فعل قرار نداده‌اند. مثلاً در آیه ۱۴۴ سوره بقره، هیچ یک از مترجمان معنای کثرت را در «قد» برای متعلق فعل «تقلب» در نظر نگرفته‌اند.

مهم‌ترین چالشی که مترجمان در ترجمه «قد» با آن مواجه هستند بیان نکردن تفاوت میان معنای تقلیل و معنای تحقیق است، هرچند خود مفسران نیز گاهی در مورد نوع معنای «قد» در قرآن به یک نظر یکسان نرسیده‌اند اما هیچ یک ترجمه‌ها با نظر مفسران در مورد معنای قلت و کثرت «قد» مطابقتی ندارد، یعنی هیچ یک از مترجمان ترجمه «قد» را به صورت ادوات تقلیل و تکثیر نیاورده‌اند و همگی به معنای تحقیق و یک مورد نیز معنای حالیه بسنده کرده‌اند.

روال منظم و هماهنگی در برگردان «قد» حتی به معنای تحقیق و تأکید نیز مشاهده نمی‌شود مثلاً مکارم شیرازی در ترجمه «قد» با فعل «علم» به یک شیوه عمل نمی‌کند، وی در ترجمه‌های آیاتی که «قد» با مشتقات «علم» آمده است، هیچ گونه قیدی در برابر «قد» نیاورده اما در ترجمه آیه ۱۸ سوره احزاب از قید «به خوبی» استفاده کرده است. فولادوند و خرمشاهی نیز گاهی به ترجمه «قد» پرداخته‌اند و گاهی از ترجمه آن چشم‌پوشی کرده‌اند.

در بعضی موارد در ترجمه‌ها مکان مناسب برای قید تأکید که در برابر «قد» واقع می‌شود در نظر گرفته نشده است، این کاستی در ترجمه خرمشاهی و فولادوند بیش‌تر ملاحظه می‌شود، مثلاً ترجمه «قد» در ابتدای جمله آمده در حالی که باید قبل از «علم» می‌آمد، زیرا مقصود تأکید فعل «علم» است نه تأکید کل جمله.

کتابنامه

- ابن عاشور، محمد الطاهر. ۱۹۸۴م، **التحریر والتنویر**، بی‌جا: الدار التونسية للنشر.
- ابن مالک، محمد. ۱۹۷۹م، **شرح التسهیل**، تحقیق عبدالرحمن السّید و محمد بدوی، ریاض: دار هجر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۸۸م، **لسان العرب**، تحقیق علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن هشام، جمال الدین. **مغنی اللیب**. ۱۹۷۹م، به کوشش مازن مبارک، چاپ پنجم، دار الفکر: بیروت.
- ابوحيان اندلسی، محمد بن یوسف. ۱۹۹۳م، **البحر المحیط**، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خرم‌شاهی، بهاء الدین. ۱۳۷۵ش، **ترجمه قرآن کریم**، بی‌جا: کتابخانه دیجیتالی قائمیه.
- درویش، محی الدین. ۱۹۹۲م، **إعراب القرآن الکریم وبیانه**، حمص: الیمامة ودار ابن کثیر.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر. ۱۳۷۹ش، **ترجمه قرآن کریم**، کتابخانه دیجیتالی.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر. ۱۹۸۱م، **التفسیر الکریم ومفاتیح الغیب**، بیروت: دار الفکر.
- رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن. ۱۹۹۳م، **شرح الرضی لکافیة ابن الحاجب**، تحقیق حسن بن محمد حفطی، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة.
- زجاجی، ابوالقاسم عبد الرحمن. ۱۹۸۶م، **حروف المعانی**، علی توفیق حمد، اردن: مؤسسه الرسالة.
- زرکشی، بدر الدین. ۱۹۹۰م، **البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، القاهرة: بی‌نا.
- زمخشری، أبو القاسم محمود. ۱۹۸۸م، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، الرياض: مكتبة العبيکان.
- سامرائی، فاضل. ۲۰۰۰م، **معانی النحو**، بغداد: بی‌نا.
- سیویه، عمرو بن عثمان. ۱۴۰۸ق، **الکتاب**، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون، قاهره: مكتبة الخانجی.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۳۲ق، **الإتقان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، بی‌جا: جامعة الكويت.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۲۰۰۳م، **کتاب العین**، تحقیق عبد الحمید هنداو، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فولادوند، محمد مهدی. ۱۳۸۸ش، **ترجمه قرآن کریم**، بی‌جا: کتابخانه دیجیتالی قائمیه.

مرادی، حسن بن قاسم. ۱۹۹۲م، **الجنی الدانی فی حروف المعانی**، تحقیق فخر الدین قباوه و محمد ندیم فاضل، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ناظر الجیش، محب الدین محمد. ۲۰۰۷م، **شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد**، بیروت: دار السلام.

الوسی، ابوالفضل و شهاب الدین. بی تا، **روح المعانی فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

الهی قمشه‌ای، مهدی. ۱۳۷۸ش، **ترجمه قرآن کریم**، کتابخانه دیجیتالی.

مقالات

ستوده، محمدرضا و آخوندی یزدی، سعید و سلطانی رنانی، سیدمهدی. ۱۳۹۲ش، «**بررسی تطبیقی سیاق از دیدگاه قرآن پژوهان معاصر**»، مجله مطالعات قرآنی جیرفت، شماره ۱۵، سال چهارم.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Challenges of “قد” Translations in Persian Translations of Quran and the Strategies

Zahra Esmaili: PhD Candidate, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Ali Saberi: Associate Professor, Faculty Member, Arabic Language & Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

A mean to Quranic sciences recognition for Arabs is translation (knowledge). Thus the importance of translation and translators' role in transferring the concepts of Holy Book would be perceived. Indeed some translators may find some difficulties or mistakes in translating Quran Verses to other languages, there are failures in translations which Persian translators attempt to converse their structure to Persian creatively; sometimes not only target language texts do not express the main purpose of Quran, but decreases (and downgrades) the fluency of Persian language. The present research studies one of the challenging notes in Quran translation – translation of “قد” - non metaphoric particles according to Khorramshaahi, Raazi, Foulaadvand, Ghomshei and Makaarem Shirazi; it also brings each abovementioned translator's translation and their differences and similarities. Finally proves that translators' oversight made the mentioned Verses' translations inaccurate a bit.

Keywords: Quran's translation, translation of “قد”, metaphoric particles.